

زده خودم دلسوزم نیست

ایگورکولاکوویچ کمک کرد اردوی صربستان ریسک عجیبی بود



دومیدانی ریاضت است نه ورزش دلم می خواهد دوباره در المپیک بدوم

هستی و حال نداری بروی می توانی دور بزنی و جای دیگری می روی. اما وقتی رسیدی مرز آن آباد دیگر نمی شود دور زد. تا آنجا رفتی هرکسی رد می شود برایت بوق می زند، بلد جاده هستی کمی دیگر بروی ته مسیر هستی.

به چه رکوردی برسی امیدوار می شوی؟

فرزانه: برای خودمان قبل از شروع هر فصل هدف تعیین می کنیم. اگر به هدف رسیدیم یا نزدیک شدیم، به مرحله بعد می رسیم و اگر نرسیدیم در جا پروژه را تعطیل می کنیم.

امیر: دو سال قبل ما می خواستیم تمرینات را شروع کنیم. من سرفصل کارها را نوشتم. واقعیت این است اگر به اعداد مشخصی هر سال نرسیم، ادامه بی معنی است.

امسال برای ورودی المپیک باید بدوی؟

فرزانه: دلم می خواهد که دوباره در المپیک بدوم. رنکینگ ۵۶ نفر اول سهمیه می گیرند. ما باید در مسابقاتی که امتیاز بالایی دارد، امتیاز جمع کنیم. حالا من یک مسابقه با امتیاز دوپدهام و بقیه مسابقات امتیاز نداشته اند. برنامه ریزی خوبی داریم و الان در جایگاه مناسبی قرار داریم. باید خیلی هوشمندانه و درست مسابقات را انتخاب کنیم و قدم به قدم پیش برویم.

الان تو در رنکینگ چه رتبه ای داری؟

هنوز مسابقات فضای آزاد شروع نشده، رنکینگ ها مشخص نیست ولی جایگاه خوبی داریم و باید آنها را تثبیت کنیم.

دلیل گریه تو و فریادهایت بعد از قهرمانی داخل سالن آسیا چه بود؟

کلاً من ۵ سال بدنم را در اوج نگه داشتم. فکر کنید هر روز تمرین کنی تا برای خودت انگیزه جور کنی و ادامه بدی خیلی سخت است. باید مدام انگیزه ها را عوض کنی، چرا که بعد از مدتی آن انگیزه با تو سازگار می شود. من پارسال انگیزه ام فقط به خاطر مردم بود و هیچ انگیزه دیگری مثل سال های قبل نداشتم. سال های

قبل انگیزه ام رکورد و مدال بود، اگر پاداش باشد، پاداش بود. اما پارسال می خواستم کاری کنم تا مردم شاد شوند.

من مدال طلای ۶۰ متر زنان ایران در آسیا را برای اولین بار در تاریخ ورزش گرفتم. نشدنی ها را شدنی کردم. ما یاد گرفته ایم قبل از مسابقه به نتیجه فکر نکنیم، اصلاً اجازه نداریم. مربی ام با من این طور رفتار کرده که قبل از مسابقه حق ندارم به نتیجه فکر کنم. فقط و فقط باید راهم را خوب بروم، یعنی در تمرین خوب باشم. مهم راه و تلاش است و نتیجه دست من نیست. من سال قبل دو روز قبل از مسابقه داخل سالن شرایط سختی داشتم. یعنی من و امیر ترکیه بودیم، اما پروازهای ما برای قزاقستان جدا بود، به زلزله خوردم، من پرواز کردم و پرواز امیر چند ساعت بعد از من بود، که به خاطر زلزله کنسل شد و سه روز بعد آمد قزاقستان. من به خاطر فشار زیادی که تحمل کردم، حالم به لحاظ روحی بهم ریخته و خیلی خراب بود. طوری که وقتی امیر آمد گفت این طوری می خواهی مسابقه بدی؟ این طوری نمی توانی سر خط بروی. فقط همان انگیزه مرا بلند کرد. یعنی هر جایی می رسیدیم، به هم می گفتیم مگر یادت نیست؟ مگر دست ندادیم؟ برای چه چیزی تلاش می کنیم؟ همان است که مرا سرپا می کند. همان موقع هم باز به نتیجه فکر نمی کردم، فقط قرار شد بروم مسابقه بدوم.

من با دیدن کمربند فرزانه برایم سؤال پیش آمد که این کمربند سفارشی است؟

بله سفارشی است.

امیر: من چون والیبال بازی کردم، می دانم که بعضی رشته ها جوری هستند که اگر مثلاً اردوی تیم ملی یا تیم باشگاهی نباشد شما باز هم با دوستان سانس سالن کرایه می کنید و آن ورزش را برای تفریح انجام می دهید. ولی دوومیدانی واقعاً زجر است و تا مجبور نباشید، انجام نمی دهید. اینکه مثلاً جایی را اجاره کنی برای اینکه ۱۰۰ کیلومتر بدوی. این کار حماقت است. در دوومیدانی خودت هستی و خودت، عملکردی است. اما در والیبال مثلاً بگویند سعید معروف خوب است یا بد، قابل بحث است، که البته بازیکن عالی هستند ایشان را مثال می گویم. یا رونالدو بهتر است یا مسی؟ ولی دوومیدانی رکوردی است. یک روز خوب تمرین نکنی یا بد باشی، هم تیمی نیست که جور تو را بکشد. همه کار هم همین است بدوی. فوتبال پست عوض می کند یا تمرین. یا حال نداری روی نیمکت می نشینی. محمود کشفی ناظر والیبال بود، یک بار به شوخی گفتم چیه ۲۲ نفر دنبال توپ می دوند. گفت این خوب است، دونده ها دنبال چه می دوند؟ اما دوومیدانی بابت این ورزش مادر شده که عملکرد ورزشکار باید کامل باشد.

یک مقدار از دستمزد مربی ام را دادم لباس تو چقدر در نتیجه ات تأثیر دارد؟

خیلی زیاد. منظورم همان صدم های ثانیه است که برای ما همان هم زیاد است. فکر کنید من در رطوبت ۹۰ درجه توکیو، گرمای ۴۵ درجه، رطوبت ۹۰ درصد وقتی نمی توانستم استپنم را بالا بزنم. وقتی لباس های من از طوبت سنگین تر از بقیه می شود، فرق می کنم. وقتی زیر باران می دوم، مجبورم سر مسابقه لباس هایم را بچلانم تا ورزش کم شود، با بقیه فرق دارم.

با همه این شرایط سخت برای چه چیزی ادامه می دهی؟

نمی دانم

تو در مصاحبه ای گفته بودی که برای پرداخت دستمزد مربی ات خودت پول روی پاداشی که گرفتی، گذاشته ای، درست است؟

من ۱۷۰۰ یورو روی پاداشم گذاشتم و تازه یک مقدار از دستمزد مربی ام را دادم. من ۵ سال است با مربی ام کار می کنم و هر دفعه تنها بخش کوچکی از دستمزدش را داده ام. او خیلی مرد است که تا به حال با من راه آمده است. حالا این مدل کار من یک جورایی به ضرر او است. او به خاطر همین شرایط حالا بیشتر به من مشاوره می دهد و مثل قبل نیست. به هر حال او هم کار خودش را دارد و درکی از این شرایط ندارد. حالا همه رقبای من در چین، نچریه و آمریکا اردو زده اند. رقبایی که بعد از من یعنی دوم تا هشتم هستند. من چی، هیچی. هنوز نمی دانم چه برنامه ای دارم. به خاطر اینکه باید برایم تعیین کند فرزانه فسیجی تو برای مدال این تعداد اردو را می خواهی، این مربی، ریکواری و ...

من طرفدار تیم ملی هستم

تو بچه اصفهانی و طرفدار پرسپولیس؟

من؟ بایا تو را به خدا ولم کنید. یک بار یک بخش از مصاحبه مرا گذاشتند و بدبختم کردند. همه سپاهانی ها ریختند سرم. من اصلاً فوتبالی نیستم. در همان مصاحبه ام گفتم من فوتبالی نیستم.

از فوتبال بدت می آید؟

من فقط تیم ملی در جام جهانی را دوست دارم.

خیلی کلیشه ای است.

من واقعاً فوتبال را دوست ندارم.

منظور من فوتبال لیست های چمپیونز لیگ نیست.

من یکسری از فوتبالیست هایی که با آنها رفت و آمد داریم را دوست دارم اما اصلاً نمی دانم در چه تیمی بازی می کنند.

پس این جمله تو نیست که گفتی فوتبال حق بقیه را می خورد؟

چرا هست. من خیلی مواقع گفتم.

باور داری؟

حالا می بینم که فوتبال در همه دنیا فرق می کند.

من می خواستم بگویم فوتبال در دنیا ورزش نیست و مثل سینما، تئاتر است.

می دانم فوتبال در دنیا صنعت است.

امیر: چند سال پیش ما با فرزانه برای قرارداد جایی رفتم. آن باشگاه در چند رشته تیمداری می کرد. من به آنها گفتم، این مبلغ را بدهید، گفتند می دانید یعنی چه؟ مثلاً من گفتم یک میلیارد و آنها گفتند ۳۰۰ میلیون تومان. گفتم شما بازیکن فوتبال می آوری، می گویی بعد



منهای فوتبال

انعکاس اخبار ورزش ایران

۷

iranvarzeshii

و با عذرخواهی زیاد گفت شما در لیست تحریم هستید و ما خبر نداشتیم، ما دوست داشتیم با شما کار کنیم و به این دلایل نمی توانیم. اسپانسرهای ایرانی هم دوست دارند دیده شوند اما ما پخش مستقیم نداریم و مسابقات دیده نمی شود. با این شرایط اسپانسر هم رغبتی برای سرمایه گذاری نشان نمی دهد.

فرزانه فسیجی چه رویایی دارد؟

آقندر به رویاهایم رنگ واقعیت دادم که رویاهایم را نزدیک می بینم. حالا نمی توانم بگویم رویایی دارم. دوست دارم در شرایط خوب تمرین کنم.

فلا ورزش برایم اولویت اول است

تا به حال فکر کردی به اینکه مادر شده و بچه دار شوی و زمانی که برای ورزش می گذاری، شرایط را

برایت سخت و سخت تر می کند؟ به هر حال این هم بخشی از لذت زندگی است.

ما خیلی بچه دوست داریم. به آن فکر کردیم اما فعلاً شرایطش نیست. چون ورزش برایم مهم تر است. البته قهرمان جهان داریم به اسم شیلی آن فریزر که ۳۵ ساله است و حالا که بچه اش ۵ ساله شده دوباره شروع کرده.

تو از شیلی فریزر اسم بردی که چند سال بعد از تولد فرزندش به تارتان برگشته، به نظرت فرزانه فسیجی هم می تواند چنین شرایطی را تجربه کند؟

شیلی فریزر در سن ۳۱ سالگی بچه دار شد و اکنون فرزند ۴-۵ ساله دارد و حالا به تارتان برگشته و ۴-۳ سال اخیر همچنان قهرمان جهان است، حتی بعد از زایمان و بچه داری. من هم دوست دارم زمانی که بچه دار شدم و تصمیمم برای ماندن در ورزش حرفه ای جدی بود، همچنان ادامه دهم. ولی نمی دانم، فعلاً تصمیمی برای بچه دار شدن ندارم و هدفم فقط ورزش است.

زندگی شما خیلی متفاوت از بقیه زندگی هاست. از این جور زندگی لذت می بریدی؟

فرزانه: با هم یک، دو، سه؛ بله (با خنده)!

امیر: اگر کسی به عنوان یک آدم عادی از بیرون نگاه کند زندگی غیرمنطقی ای است که با عقل جور در نمی آید. اگر کسی اینطور فکر کرده، فکرش درست بوده، چرا که زندگی ما شرایط خاصی دارد اما من خودم این زندگی را دوست دارم، علاقه مند و عشق آن را دارم. من سال ها در حوزه دیگری کار کرده ام و از ورزش می دانم، از ارتباطات سر در می آورم، می توانم کار اجرایی کنم و سال ها زندگی ورزشی داشتم. ولی جایی پیش می آید که یک پروژه صفر تحویل می گیری در حالی که خودت هم صفر هستی، حالا باید پروژه را ببری جلو. پروژه ای که دغدغه شخصی ات می شود. مشکلات هم یکی دو تا نیست. بعضی مواقع هزینه ماهیانه زندگی ما ۳۰۰ میلیون تومان می شود، تأمین مالی سخت می شود. چرا بیشتر دوومیدانی کاران نمی توانند در مسابقات بزرگ شرکت کنند؟ چون مسیر سختی دارند و دلسوزی هم نیست. فرزانه برای اولین بار قهرمانی جهان داخل سالن، قهرمانی جهان فضای باز و المپیک را تجربه کرد. اولین مدال داخل سالن آسیا و مدال نقره ۱۰۰ متر آسیا را گرفت. وقتی می گویم برای اولین بار یعنی برای اولین بار هم کاری برایش انجام شده که ارزشمند است. حالا قابلیت بیزنس ندارد اما کم کم این قابلیت را هم پیدا می کند.

از هر تمرین، پول مربی، ماساژور و کرایه زمین تمرین، را بده؟ یا پول ناهار و شام؟ حتی مسابقه می رود، می گویی پول بلیت بده یا ورودی مسابقه؟ تمام هزینه های دوومیدانی کار با خودش هست، همه هزینه ها. هیچ دستمزدی نمی گیرد و فقط از باشگاه برای تأمین مخارج مربی، کفش و لباس و این طور مسائل کمک می گیرد که معمولاً یک دهم آن هزینه ها هم تأمین نمی شود. فوتبال قابل مقایسه با هیچ رشته ای نیست اما مثلاً حق یک ورزشکار دوومیدانی که قهرمان آسیا هم هست این است که یک سوم بازیکن دسته دوم والیبال دستمزد بگیرد که هیچ دستاورد ملی و باشگاهی نداشته.

من از یک نفر شنیدم فلانی شومن است. من تعجب کردم. یا بعضی ها می گویند فرزانه دونده ۱۰۰ متر نیست. دونده سالنی است.

هر کس این حرف را می زند یا غرض دارد یا از دوومیدانی هیچ چیزی نمی داند. یک وقتی من رکورد ۶۰ متر را زد، یکسری گفتند فرزانه دونده سالن است و ۶۰ متر. من رکورد ۱۰۰ متر را زد و مدال آن را گرفتم. من طلای ۶۰ متر آسیا و نقره ۱۰۰ متر آسیا را دارم، ۲ مدالی که تا به حال کسی آن را به دست نیاورده. هم ورودی قهرمانی جهان فضای باز را داشتم و هم ورودی داخل سالن، باز هم اتفاقی که برای هیچ دونده رخ نداده. من هر وقت در رویدادی موفق می شوم، مردم به من لطف می کنند و دیده می شوم. خارج از آن، نه هیچ وقت از این کمپین های اینستاگرامی رفتم نه کار عجیب و غریبی کردم. کسانی شومن هستند که به واسطه اسم من می خواهند دیده شوند و گر نه من دغدغه دیده شدن را ندارم و به اندازه کافی دیده می شوم.

تفاوت رکوردی دونده های زن و مرد به چه چیزی برمی گردد؟

دونده های زن و مرد به لحاظ بدنی با هم فرق دارند و به همین خاطر رکورد های شان در کل دنیا با هم متفاوت است.

خبرنگاران بیشتر درباره چه چیزی می پرسند؟

بیشتر مواقع سوالاتشان کلیشه ای است. چرا هیچ تغییری در سوالاتشان نمی دهند؟ دوست دارم از جزئیات بپرسند. اینکه از کجا شروع کردی، چند سال است می دوی، دوست داری المپیک بروی؟ کسی نمی پرسد شب قبل از مسابقه و دو روز قبل از مسابقه به تو چه گذشت؟ چه مسیری را تا رکوردزنتی طی کردی؟ از تجربه هایم نمی پرسند.

من ثابت کردم می شود

تو در مرز ۲۹-۳۰ سالگی به جایی رسیدی. ممکن است ۲۰ سال بعد دونده ای مدال بگیرد. به این مسائل فکر کردی؟

من بعد از همه بدبختی هایی که کشیدم راه را صاف می کنم برای بقیه. اول هم از لحاظ فکری، بچه های ما چقدر خودشان را دست کم گرفته اند. چقدر فکر می کردند نمی توانند، نمی شود. با رکورد هایی که ثبت کردم همه این تصورات را ترک اندم. من ثابت کردم می شود. حالا شرایط بازت شده، حالا همه می گویند فرزانه رفت، پس می شود. انگیزه، تلاش و امید بچه ها هم بیشتر شده است.

بعضی ها معتقدند از ورزشکاران بالای ۳۰ سال نباید حمایت کرد یا سرمایه گذاری خاصی روی آنها نباید بشود.

هر کسی این را گفته کاملاً ناآگاه و ناشی بوده. شما قهرمانان المپیک و جهان در زنان را یک بررسی خیلی کوچک بکنید، سن قهرمانی در دوومیدانی را متوجه می شوید. بله اگر زندگی ناسالمی داشته باشید یا ورزش شما مبتنی بر دارو و دوپینگ باشد تا ۲۵ سالگی هم نمی توان ادامه داد اما من بسیار اصولی، تمیز و حرفه ای ورزش می کنم و راهم را ادامه می دهم. این یک بحث است، بحث دیگر اینکه کدام حمایت یا سرمایه گذاری؟ من هر کاری کردم خودم کردم و در این راه فقط مردم همراه من بودند.

الان بحث سر چیزی که وجود ندارد، است.

این شرایط

تو را خسته نمی کند؟

متأسفانه این موضوع برای من عادی شده. من از روزی که وارد دوومیدانی شدم، گفتند این فیزیک به درد سرعت نمی خورد، بعد قهرمان ایران شدم، گفتند نه فایده ندارد، رکورد هایت خوب نیست، رکورد ۶۰ متر را شکستم، گفتند ۶۰ فایده ندارد، رکورد ۱۰۰ را شکستم، گفتند رکورد به درد نمی خورد اگر منجر به مدال نشود، مدال طلا و نقره آسیا را گرفتم حالا می گویند شده ۳۰ ساعت. من به دلیل اینکه جاهای مختلف خیلی تمرین کردم و شرایط ورزشکاران دیگر را دیدم خیلی زجر می کشم. شاید خیلی ها ندانند یا یک ورزشکاری نه در سطح من بلکه بسیار سطح پایین چه طور رفتار می کنند آن وقت در ایران دنبال فرصتی هستند تا تو را حذف کنند. آن هم ورزشکاری مثل من که نه هزینه ای دارد نه حاشیه دارد و مدام هم برای آنها در حال رزومه سازی هست. واقعاً بعضی وقت ها از خودم می پرسم مشکل شان چیه؟ کاشکی من مدیر بودم و یک ورزشکار اینطور داشتم بدون اینکه کاری برایش بکنم هر روز کارنامه مرا بهتر کند.

تو اسپانسر داری؟

بله، الان شرکت داریا همراه از من حمایت می کند و همیشه ممنون آنها هستم. البته پیش از این بوما و آدیداس به من امیمل زدند و خواستند اسپانسر من شوند. حتی با بوما تا مرز خیلی خوبی هم پیش رفتم، به توافق رسیدیم و قرار به پرداخت مالی شد که متوجه شدند به خاطر تحریم نمی توانند تبادلات مالی با ایران داشته باشند. کسی که مسئول این کار بود نمی دانست

